

با استحکام اتحادطبقاتی

به استقبال روز جهانی زن برویم !

۸ مارس (روز جهانی زن) امسال در حالی فرا می رسد که نظام سرمایه داری در سطح جهان همچنان با یکی از بحران های کم نظیر اقتصادی خود بسر می برد. بحران جاری در مناطق زیادی از جهان به بحران های سیاسی عمیقی تا حد تغییر دولت ها و انتخابات بعد از انتخابات انجامیده است. سرمایه داری از طریق ارگانهای جهانی اش همچون صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، بانک مرکزی اروپا، سازمان تجارت جهانی و سازمان نظامی ناتو و دولت های محلی در هر کشور بار بحران خود را بر دوش کارگران، مزدبگیران انداخته است. بیکاری، فقر و نابسامانی اجتماعی بر جامعه سایه افکنده است و بیشترین قربانی های خود را کودکان و زنان تشکیل می دهند.

سیاست های سرمایه داری حاکم بر جهان (نئولیبرالی و خصوصی سازیها) از سه دهه گذشته تاکنون فقر و فحشا، اعتیاد و بیکاری و انواع بیماریها را به پدیده ای وسیعاً رایج در جهان تبدیل کرده است. در این میان زنان کارگر و زحمتکش در چهارگوشه ای جهان به اشکال مختلف قربانی سیاست های سود جویانه و جنگ طلبانه سرمایه دارانی هستند که تنها به سود دهی بیشتر می اندیشند. زنان کارگر و زحمتکش نه تنها همپای مردان هم طبقه ای های خود مورد ستم و استثمار قرار میگیرند، از ستم جنسی نیز به علت تسلط سیستم ارتجاعی مرد سالارانه سرمایه داری رنج می برند. سرمایه داری که نظام اقتصادی اقلیتی از جامعه است از طریق ابزارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نابرابری جنسی را دامن زده و به اشکال مختلف باز تولید می کند. هم از طریق بکارگیری نیروی کار زنان کارگر و کودکان کار بیشترین سود آوری را بدست می آورد و هم با این روش بیشترین شکاف و تفرقه را در میان صفوف کارگران ایجاد می کند. طراحان، کارشناسان و نمایندگان رنگارنگ سرمایه داری واقفند که، در میان چالش های موجود، طبقه کارگر متحد تنها نیرویی است که قادر خواهد بود جامعه بشری را به نفع اکثریت احاد متحول کند و تمامی نابرابریهای موجود از جمله نابرابری جنسی و ستم بر زنان را ریشه کن کند.

در کشورهای صنعتی با سیستم سیاسی دموکراسی سرمایه داری، قوانین مدنی در مورد زنان و مردان ظاهراً برابر است. در واقع اما زنان از دستمزد و حقوق اقتصادی برابر با مردان برخوردار نیستند و آمار بالایی از انواع خشونت و بویژه خشونت های خانه گی در مورد آنان اعمال می شود. کاهش خدمات اجتماعی و اعمال سیاست های ریاضتی از سوی نظام سرمایه داری بیشترین فشار را خصوصاً بر زنان کارگر و زنانی که نگهداری فرزندان را بر عهده دارند تحمیل شده است. تجارت انواع تن فروشی زنان را در معرض انواع آسیب های روانی و جسمانی قرار داده است.

در کشورهای پیرامونی که شرایط استثمار و برده گی بمراتب وحشتناکتر است، زنان در معرض انواع آسیب های ناشی از نظام مردسالار سرمایه داری بسر می برند. تمام قوانین قرون وسطایی و پیشاسرمایه داری را نظام حاکم بخدمت گرفته است تا از حفظ سود آوری بیشتر به قیمت استثمار کارگران و مزدبگیران و خصوصاً زنان کارگر پاسداری کند. با دیکتاتوری عربیان سیاسی، نظامی و مذهبی توقعات برحق جامعه سرکوب شده و زنان را در صف مقدم قربانیان نظام بسر می برند. انواع خشونت بر زنان چه در محیط کار و چه در محیط زندگی روزانه باز تولید می شود و بیشترین فجایع غیر انسانی در مورد زنان بکار گرفته می شود. بی جهت نیست که با بروز طغیان های اجتماعی و نیز عروج جنبش های توده ای بر علیه نظام حاکم و رژیم های دیکتاتوری دست نشاندگان آن در

کشورهای پیرامونی زنان در صف مقدم مبارزات قرار می گیرند. جنبش های توده ای کشورهای عربی در دو سه سال اخیر حضور چشمگیر زنان را در آن نشان داد.

در ایران حاکمیت ارتجاع اسلامی، با نهادینه نمودن قوانین پوسیده ضد زن، بیشترین تبعیض جنسی و طبقاتی برآنان را اعمال نموده و از نظر اجتماعی- سیاسی آنها را درموقعیت درجه دوم قرار داده است. باز گرداندن زنان به کنج خانه و محروم ساختن آنها از اشتغال، وابسته کردن هر چه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، خشونت و سرکوب روز افزون بر آنها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، مرد سالاری و نابرابری فزاینده ای را بر زندگی زنان حاکم نموده است. فرودستی و تبعیض و نابرابری، فقدان تامین اجتماعی و سرکوب و خشونت بر زنان که ریشه در نظام سرمایه داری دارد، شرایط دشواری را برای زنان در ایران، تحت سلطه یک حکومت ارتجاعی مذهبی و در ابعاد گسترده ای ایجاد نموده است. اعتراض و مبارزه هر روزه زنان در ایران علیه این همه نابرابری و بربریت جمهوری اسلامی در طول بیشتر از سه دهه به اشکال مختلف در جریان بوده و خواهد بود.

رفع ستم جنسی و تبعیض برزنان در چهارگوشه جهان، چه آنجا که قوانین دموکراسی سرمایه حاکم است و چه در کشورهای دیکتاتوری های عریان نظامی، مذهبی حافظ قوانین سرمایه هستند بجزاز مسیر مبارزه علیه سیاست های سرمایه داری و متحد شدن هر چه بیشتر طبقه کارگر مقدور نخواهد گردید. مسئله زن در جهان، خاورمیانه و در کشورهای مانند ایران، در همه ابعاد آن، در روند حل نهائی خود، با مبارزه بر علیه سرمایه داری گره خورده است. بطور کلی مبارزات زنان برای رفع ستم جنسیتی، ماهیتی کاملاً ضد سرمایه داری دارد و در پیوندی گسست ناپذیر با مبارزات کارگران و زحمتکشان است و بدون لغو مالکیت خصوصی، ماهیت زن به عنوان یک کالا نیز از بین نخواهد رفت.

نقش جنبش زنان بعنوان جنبشی بسیار مهم در اعتراضات ضد سرمایه داری و ضد سیاست های نئولیبرالیستی، بیش از پیش به این ضرورت مهر تایید می زند که مبارزه برای رفع ستم جنسیتی در پیوندی ناگسستنی با مبارزه برای رفع ستم طبقاتی قرار دارد و حضور زنان در صحنه مبارزه طبقاتی به تعمیق مبارزات زنان می انجامد. تجربه ثابت کرده است که میزان موفقیت و رشد جنبشهای اجتماعی به میزان شرکت زنان در آن جنبش رابطه مستقیم داشته و پیروزیهای حاصل بدون شرکت زنان امکان پذیر نخواهد بود. امروز مسئله رهایی زنان بنا به ضرورت طبقاتی این وظیفه را جلوی پای فعالین سوسیالیستی جنبش کارگری و جنبش زنان می گذارد که یکی از راههای مهم خاتمه دادن به پراکندگی زنان و بویژه زنان کارگر در امر مبارزاتیشان و نزدیک شدنشان بدرجه ای به استراتژی موجودشان درگرو ایجاد تشکلهایشان است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

مارس ۲۰۱۳

NHKOMMITTEHAMAHANGI@GMAIL.COM

[HTTP://NAHADHA.BLOGSPOT.COM/](http://NAHADHA.BLOGSPOT.COM/)

BOLTANXABERI@GMAIL.COM

[HTTP://WWW.YOUTUBE.COM/USER/NAHADHAYHAMBASTEGY](http://WWW.YOUTUBE.COM/USER/NAHADHAYHAMBASTEGY)